

سیاست حسن همسایگی و ضرورت اعتمادسازی در خلیج فارس

دکتر محمدتقی حسینی^۱

چکیده

سیاست حسن همسایگی و روابط دوستانه با همسایگان یکی از اهداف والای دولت جمهوری اسلامی ایران است. جمهوری اسلامی ایران همیشه اعلام کرده است همسایگان در روابط خارجی این کشور از اولویت برخوردارند. در این مقاله در مورد اصول حقوقی و بین‌المللی حسن همسایگی و همچنین اهمیتی که منشور ملل متحد به این موضوع داده بحث شده است. منطقه خلیج فارس در سیاست همسایگی ایران جایگاه مهمی دارد. این منطقه در اثر بحران‌های متعدد در چند دهه اخیر آسیب‌های زیادی دیده است و هم‌اکنون از بحران اعتماد رنج می‌برد. برای حل مشکلات منطقه و افزایش همکاری، بازگرداندن اعتماد به این منطقه یک امر ضروری است. تقویت گفتگو و ایجاد همگرایی در منطقه به ایجاد اعتماد کمک می‌کند. برای ایجاد چنین سازوکاری کشورهای منطقه می‌بایست تلاش کنند تا درک مشترکی بین خود بر مبنای اصول بین‌المللی و منشور ملل متحد پدید آورند.

• واژگان کلیدی

حسن همسایگی، اعتمادسازی، رقابت تسلیحاتی، همکاری فراگیر.

موضوع همسایگان همیشه یکی از محورهای مهم در بحث های سیاست خارجی ایران بوده است. ایران با داشتن تعداد زیادی همسایه و با مرزهای خشکی و آبی طولانی با این کشورها که هر کدام نیز از ویژگی ها و همچنین امتیازات و مشکلات خاصی برخوردارند، بر اهمیت موضوع همسایگی به خوبی آگاه است. ایران همواره اعلام کرده در روابط بین المللی آن، همسایگان از اولویت برخوردارند. با این حال، در موارد زیادی با برخی از همسایگان خود دچار چالش بوده است. در حال حاضر، روابط ایران و عربستان سعودی بعنوان دو قدرت بزرگ منطقه خلیج فارس سالهاست که به تیرگی شدید گرائیده و سفارت خانه های هر دو کشور تعطیل است و با تعداد دیگری از همسایگان جنوبی روابط ایران در سطحی نه چندان مطلوب و توأم با سوطن ادامه دارد. با روی کار آمدن دولت سیزدهم تقویت سیاست همسایگی بعنوان یک هدف مورد تاکید قرار گرفته است. در این ارتباط، همایش ملی همسایگی با مشارکت وزارت امور خارجه و دستگاههای ذیربط در چهارم بهمن ماه ۱۴۰۰ در مرکز مطالعات سیاسی و بین المللی برگزار شد. در این نشست، دیدگاههای مختلفی در مورد سیاست همسایگی، چگونگی اجرا و تقویت آن ابراز شد. از جمله نکات قابل توجه در این همایش پیشنهاد سردار وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران مبنی بر ضرورت ایجاد وزارت امور همسایگان بود. البته، او به این موضوع اشاره نکرد که وزارت احتمالی امور همسایگان چه وظیفه خاصی خواهد داشت و یا چه اقدامی فراتر از آنچه که در حال حاضر دستگاههای موجود و از جمله وزارت امور خارجه انجام می دهند را انجام خواهد داد. ضمن اینکه این موضوع را بایستی به خوبی در نظر گرفت که مشکل با همسایگان ناشی از فقدان دستگاه و یا کمبود وزارت خانه نیست؛ بلکه مشکل به ادراکات، سیاست ها، اتفاقات تاریخی و سیاسی، کنش ها و واکنش هایی برمی گردد که جریان حوادث در منطقه را شکل داده و یا تغییر جهت می دهد. ضمن اینکه توجه به موضوع سیاست همسایگی بسیار مهم است؛ اما چند نکته را باید مورد توجه قرار داد. یکی اینکه خود عبارت سیاست همسایگی از ابهام برخوردار است و معنای خاصی را ارائه نمی کند. آنچه که در ادبیات سیاسی جهان رایج و در منشور ملل متحد نیز به آن اشاره شده است، حسن همسایگی^۱ است. بنابراین مناسب تر است که به جای استفاده از یک عبارت مبهم، عبارت شناخته شده و دارای بار معنایی مناسب، مورد استفاده قرار گیرد. اتخاذ این رویکرد می تواند جهت دهی مثبتی برای بحث ها در سطح فکری و اجرایی فراهم کند.

^۱. Good Neighborliness, Good Neighbors

در مورد حسن همسایگی ادبیات سیاسی و حقوقی فراوانی به وجود آمده است و همچنین رویه ها و اصول زیادی شکل گرفته است. منشور ملل متحد این موضوع را به صراحت مورد اشاره قرار داده است. نویسندگان منشور به این موضوع توجه داشته اند که جلوگیری از جنگ و برخورداری از رفاه و توسعه و ارتقای احترام به کرامت انسانی، نیازمند مدارا و همزیستی و حسن همسایگی است. برای همین منظور در همان طلیعه منشور ملل متحد موضوع حسن همسایگی بعنوان اصلی در راستای تحکیم صلح درج گردیده و مورد تاکید قرار گرفته است. صرفنظر از بحث های تفسیری که در مورد اعتبار سیاسی و یا حقوقی این تاکید منشور بر حسن همسایگی صورت گرفته پرداختن به حسن همسایگی در طلیعه منشور نشانگر اهمیت موضوع از نظر نویسندگان این سند مهم بین المللی است. حقوقدانان زیادی به این موضوع توجه کرده اند و می توان گفت اصول مهمی در مورد حسن همسایگی در حقوق بین الملل پدید آمده و تقویت گردیده است. این اصول هم از عرف بین المللی سرچشمه گرفته و هم اینکه از طریق معاهدات و مقررات تنظیم کننده روابط بین کشورها مورد تاکید و تقویت قرار گرفته است.

با عنایت به این نکات سوال اصلی این است که چگونه می توان در جهت تقویت موضوع حسن همسایگی در منطقه خلیج فارس قدم های استوارتری برداشت؟ پاسخ کوتاه و اولیه به این سوال این است که در منطقه خلیج فارس بدلیل مشکلات و بحران های پیاپی و گسترده، موضوع نظم دستخوش آسیب های زیادی شده است. مسئله حسن همسایگی در این ناحیه از جهان با چالش های زیادی روبرو بوده است. پدیده ای بنام بحران اعتماد، ریشه اکثر مشکلات کنونی در این منطقه از جهان است. کشورهای حاشیه خلیج فارس برای ایجاد نظم با ثبات و پایدار بیش از هر چیز نیازمند گسترش و تقویت اعتماد هستند. ایجاد اعتماد می تواند از هدر رفتن بسیاری از منابع جلوگیری کند و بسیاری از هزینه هایی را که اکنون صرف مسابقه تسلیحاتی می گردد، در مسیر رشد، توسعه و رفاه عمومی مردمان این کشورها قرار دهد. بازگرداندن اعتماد بعنوان گامی مهم زمینه بسیاری از تحولات مثبت دیگر و تقویت همکاری را در این منطقه حساس را فراهم خواهد کرد. در این مقاله تلاش شده این موضوع مورد واکاوی قرار گیرد.

حسن همسایگی، یک نگاه حقوقی بین المللی

موضوع روابط همسایگی یا حسن همجواری یکی از موضوعات مورد توجه در حقوق و روابط بین الملل کنونی است. طی زمان مجموعه ای از اصول سیاسی و حقوقی به وجود آمده است که به دولت های همسایه با کاربست آنها از بروز مشکلات پرهیز کنند و یا در صورت بروز مشکل نسبت به حل و فصل آن اقدام احتمالی بین خود را حل و فصل کنند. علاوه بر این، گسترش روابط صلح آمیز بین همسایگان و تقویت همکاری ها با استفاده از این اصول امکان

پذیر است. این اصول ممکن است برآمده از عرف باشند و یا اینکه از طریق معاهداتی که روابط بین دولت‌های همسایه را تنظیم می‌کنند، به دست آیند. مثلاً اصولی مانند ممنوعیت استفاده از سرزمین تحت حاکمیت یک کشور علیه امنیت و منافع کشور همسایه، یا اجازه استفاده کشور ثالث از سرزمین تحت حاکمیت یا منطقه مرزی برای ضربه زدن به منافع یک کشور همسایه؛ الزام به رعایت و احترام به منافع مشروع همسایگان، تعهد به مشورت با همسایگان و اطلاع رسانی به آنها در مورد هر وضعیتی که ممکن است باعث ایجاد آسیب یا خسارت فراتر از مرز یک کشور گردد و بسیاری دیگر از اصول حسن همسایگی، هم ریشه در حقوق بین الملل عرفی دارند و در معاهدات و قراردادهایی نیز که بین کشورها منعقد می‌گردد، گنجانده شده‌اند. طبیعی است اصل حسن همسایگی مبنای استفاده از منابع مشترک بین کشورها نیز می‌باشد و تعهدات خاصی را برای کشورها پدید می‌آورد. بنابراین، حسن همسایگی علاوه بر اینکه از حقوق بین الملل عرفی سرچشمه می‌گیرد، از طریق حقوق قراردادی نیز استحکام پیدا کرده است.

با اینکه جایگاه حسن همسایگی در روابط بین الملل شناخته شده و مورد تاکید کشورها و سازمان‌های بین المللی است اما به نظر می‌رسد که هنوز تعریف دقیق و جهان شمولی از این موضوع ارائه نشده است. تلاش‌های مختلفی از طریق مجامع بین المللی برای ارائه تعریف از حقوق بین الملل همسایگی بعمل آمده است، ولی هر کدام از این تلاش‌ها بدلالی منتهی به ارائه تعریفی که مورد قبول متخصصان حقوق بین الملل باشد، نگردیده است. از جمله در کنفرانس باندونگ (۱۸-۲۴ آوریل ۱۹۵۵ در اندونزی) تلاش زیادی در این زمینه به عمل آمد و اصول متعددی مورد تاکید قرار گرفت؛ ولی تعریف مشخصی در این زمینه ارائه نشد.^۱ همچنین مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه‌های مختلفی در مورد توسعه و تقویت حسن همسایگی، روابط صلح آمیز و همسایگی بین دولت‌ها به تصویب رسانده است^۲، اما هیچکدام

۱. کنفرانس باندونگ چندین اصل مهم را مورد تاکید قرار داد که با توجه به شرایط برگزاری کنفرانس و مطرح بودن موضوع ضرورت استعمارزدایی، عمدتاً ناظر بر استعمارزدایی و اعطای آزادی به ملت‌های تحت انقیاد و استثمار بود. از جمله اینکه کنفرانس تاکید کرد استعمار در همه مظاهر آن یک پدیده مذموم است که می‌بایست در اسرع وقت پایان یابد. همچنین، در این کنفرانس تاکید شد که انقیاد، سلطه و استثمار بمنزله انکار اساسی حقوق بشر و مغایر با اهداف منشور سازمان ملل متحد و مانعی برای ترویج صلح و همکاری جهانی است و ضمن حمایت از آرمان‌های آزادی و استقلال برای همه مردم، از قدرت‌های مربوطه درخواست کرد که موانع را از سر راه دستیابی مردمان تحت استعمار به این آرمان‌های آزادی و استقلال بردارند.

۲. قطعنامه ۲۴۲۵ (XXV) مصوب سال ۱۹۷۰ که با عنوان اعلامیه اصول حقوق بین الملل در باره روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها بر اساس منشور ملل متحد شناخته شده است، بر هفت اصل اساسی بعنوان سنگ بنای حقوق بین الملل تاکید کرده است:

(۱) دولت‌ها وظیفه دارند که در روابط بین المللی خود از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی

یک دولت،

تعریف حقوقی دقیقی که در جامعه بین‌المللی مورد پذیرش گسترده قرار داشته باشد، برای این موضوع ارائه نکرده‌اند.

برغم این، محققان و صاحب‌نظران حقوق بین‌الملل و متخصصان روابط بین‌الملل به موضوع حسن همسایگی بعنوان یک اصل اساسی و ضروری زندگی بین‌المللی توجه کرده‌اند. فقدان تعریف جهان‌شمول موجب نشده است که اهمیت این موضوع نادیده گرفته شود. بویژه اینکه بسیاری از معیارهای حقوق حسن همسایگی ریشه در حقوق عرفی دارد و بتدریج در طول زمان، در رفتار سیاسی کشورها وارد شده و جریان یافته است.

توجه منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی به موضوع حسن همسایگی آن را در کانون توجه بین‌المللی قرار داده و به توسعه حقوقی این اصل کمک کرده است. هر چند که برخی از حقوقدانان بین‌المللی در مورد جایگاه استفاده این اصل در منشور ملل متحد نظرات متفاوتی را ابراز کرده‌اند، اما در اهمیت آن تردیدی ندارند. در مقدمه منشور سازمان ملل متحد، بعد از اینکه اعضای ملل متحد قصد خود را از تشکیل این سازمان و اصول درخشان آن اعلام می‌کنند، تصریح می‌کنند که ملت‌ها برای نیل به این هدف‌ها به رفیق و مدارا و زیستن در حال صلح با یکدیگر و با یک روحیه حسن همسایگی نیروی خود را برای نگاهداری صلح و امنیت بین‌المللی بکار می‌گیرند. همچنین، بموجب ماده ۷۴ منشور "اعضای سازمان ملل متحد موافقت می‌کنند خط مشی آنها چه در سرزمینهای مشمول مقررات این فصل و چه در قلمرو خاک اصلی خود آنها در امور اجتماعی، اقتصادی و تجاری با رعایت ملاحظات لازم از حیث منافع و رفاه سایر نقاط جهان بر اساس اصل کلی حسن همسایگی استوار باشد". هانس کلسن، با توجه بر اهمیت اصل حسن همجواری یا همسایگی خوب بعنوان یک ضرورت بین‌المللی، بر این نکته تأکید می‌کند که مناسب می‌بود که این فصل به جای

(۲) و یا به هر طریق دیگری که با اهداف ملل متحد مغایرت داشته باشد، خودداری کنند.

(۳) دولت‌ها وظیفه دارند اختلافات بین‌المللی خود را از طریق مسالمت‌آمیز و به نحوی که صلح، امنیت و عدالت بین‌المللی به خطر نیفتد، حل و فصل کنند.

(۴) دولت‌ها وظیفه دارند بر اساس منشور به عدم مداخله در امور مربوط به صلاحیت داخلی کشورهای دیگر پایبند باشند.

(۵) دولت‌ها وظیفه دارند به اصل حقوق برابر و تعیین سرنوشت مردم احترام بگذارند.

(۶) دولت‌ها وظیفه دارند به اصل برابری حاکمیت دولت‌ها احترام بگذارند.

(۷) دولت‌ها وظیفه دارند با حسن نیت به تعهداتی که بر اساس این منشور بر عهده گرفته‌اند، عمل کنند.

همچنین قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی مصوب سال ۱۹۷۴ (XXIX) موسوم به قطعنامه تعریف تجاوز هر گونه استفاده از زور و یا تهدید به کاربرد زود علیه کشورهای دیگر را جز در مقام دفاع مشروع، ممنوع اعلام کرده است.

مقدمه در فصل اول منشور ملل متحد گنجانده شود.^۱ از طرف دیگر آلفرد وردروس، حسن همسایگی را بعنوان اصلی تدریجی اما مهم و جدی، معرفی می کند که به درستی در مقدمه منشور سازمان ملل متحد مورد تاکید قرار گرفته است.^۲ قاضی کریستوفر کریگوری ویرامانتری^۳ در نظر مخالف خود در مورد نظر مشورتی ۸ ژوئیه ۱۹۹۶ دیوان بین المللی دادگستری در مورد قانونی بودن تهدید به استفاده و یا استفاده از سلاح های هسته ای اعلام می کند که اصل حسن همسایگی یکی از مبانی حقوق بین الملل مدرن است که سازمان ملل متحد بر آن صحه گذاشته است. به بیان قاضی ویرامانتری مفاد منشور ملل متحد وظیفه کلی حسن همجواری را صراحتاً برسمیت شناخته است و همین امر آن را به بخشی اساسی از حقوق بین الملل تبدیل می کند.^۴ بعضی از مفسرین منشور تلاش کرده اند تا بار سیاسی حسن همسایگی را نسبت به اهمیت حقوقی آن برجسته تر کنند. از نگاه این مفسران، منشور ملل متحد در مقدمه خود با اشاره به حسن همسایگی یک اصل راهنما برای سیاست گذاران ایجاد کرده است تا در روابط بین الملل بین الملل مورد توجه قرار گیرد. از این دیدگاه، اصل حسن همسایگی می تواند در پرتو اصول عمومی حقوق بین الملل در نظر گرفته شود که ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری آن را بعنوان یکی از موازین در امر حل و فصل اختلافات مورد توجه قرار داده است. از این دیدگاه، اصل حسن همجواری عمدتاً نقشه راه و جهت یابی را در اختیار سیاستگذاران قرار می دهد. با این حال، حتی همین مفسران منشور نیز اذعان می کنند که برتری بخشیدن به کارکرد سیاسی حسن همسایگی به معنی انکار کامل خصیصه حقوقی آن نیست و رعایت این اصل را در تنظیم رابطه بین کشورها ضروری می دانند. بنابراین، می توان بطور خلاصه این جمع بندی را ارائه کرد که اصل حسن همسایگی یکی از اصول شناخته شده و رو به گسترش در حقوق بین الملل است که هدف آن ایجاد و تقویت رابطه سازنده و مبتنی بر مدارا و همکاری بین کشورها است. کشورها به موجب اصول حقوق بین الملل و از جمله اصول منشور ملل متحد و اعلامیه اصول حقوق بین الملل در مورد روابط دوستانه و همکاری بین دولت ها موظف هستند که اصل حسن همسایگی را رعایت کنند. این اصل علاوه بر اینکه کشورها را از بروز برخوردها و درگیری ها پرهیز می دهد، مدارا و خویشتن داری و همزیستی مسالمت آمیز و

1. H. Kelsen, *The Law of the United Nations: A Critical Analyses of its Fundamental Problems*, London 1951, p. 11-13.

2. A. Verdross, *Völkerrecht*, Vienna 1964, p. 292-295, translated in: J.G. Lammers, *Pollution of International Watercourses*, The Hague 1984, p. 565

3. judge Weeramantry

4. Advisory Opinion of 8 July 1996 of the Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Dissenting Opinion of Judge Weeramantry, ICJ Rep. 1996, p. 505

احترام به استقلال و تمامیت ارضی یکدیگر را ترویج می کند و همکاری مستمر در زمینه های مختلف برای ارتقای امنیت، توسعه و رفاه همگان را ایجاب می کند.

بحران اعتماد و چالش حسن همسایگی در خلیج فارس

منطقه خلیج فارس در دوران معاصر همواره بعنوان یک منطقه مهم محسوب می گردیده است که حفظ ثبات و امنیت در آن نه تنها برای کشورهای منطقه، بلکه برای ثبات جهانی ضروری است. در دوران اخیر موضوع حسن همسایگی در این منطقه با چالش های زیادی روبرو گردیده است و مخاطراتی را برای کشورهای ساکن در این منطقه در برداشته است. توجه به سیاست حسن همسایگی و اعاده همزیستی و مدارا در این منطقه حساس، از اهمیت زیادی برخوردار است. این منطقه دوره های مختلف از نظم و بی نظمی را تجربه کرده است که هر یک از آنها در شکل گیری وضعیت امروزی منطقه خلیج فارس موثر بوده است.^۱

بروز چند جنگ و تنش های شدید در دهه های اخیر در این منطقه، چهره آن را به کلی دگرگون کرده است. در دهه ۱۹۸۰ رژیم بعثی عراق به رهبری صدام حسین دیکتاتور منفور این کشور با هدف سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی یک جنگ تجاوزکارانه علیه ایران آغاز کرد که هشت سال طول کشید و بخش عمده ای از ثروت و زیرساخت های منطقه را از بین برد و تلفات انسانی گسترده ای را به همراه داشت. متعاقب آن در دوم اوت ۱۹۹۰ رژیم بعثی عراق به کویت حمله کرد و این کشور را بطور کامل به اشغال خود درآورد. بسیاری از منابع کویت غارت شد و یا ویران گردید. صدام حسین با این اقدام خود که نقض آشکار تمامی اصول حقوق بین الملل بود، در صدد حل مشکل دیرینه خود در دسترسی کامل به آب های خلیج فارس و در اختیار گرفتن نفت کویت بود که در صورت موفقیت می توانست این رژیم را به یک ابرقدرت نفتی تبدیل کند. محاسبه صدام حسین این بار نیز اشتباه از کار درآمد و موجب واکنش گسترده جهانی و لشگرکشی های آمریکا و متحدانش به منطقه گردید. این اتفاق سرآغاز حضور گسترده نیروهای نظامی فرامنطقه ای در خلیج فارس و عملیات های جنگی گردید که پیامدهای گسترده ای را بدنبال داشت. جنگ سال ۱۹۹۱ برای اخراج رژیم صدام حسین از کویت و جنگ سال ۲۰۰۳ برای سرنگونی رژیم صدام حسین، هردو به رهبری آمریکا و با مشارکت ائتلافی از کشورهای مختلف، پیامدهای زیادی در بر داشت و ساختار این منطقه را به نحو گسترده ای دستخوش تغییر کرد. این لشگرکشی ها و حوادث مرتبط با آن، موجب

۱. هنری کسینجر، نظم جهانی، تاملی در ویژگی ملت ها و جریان تاریخ، ترجمه محمدتقی حسینی، انتشارات علمی و فرهنگی، سال ۱۳۹۶، فصل سوم.

بروز پدیده دیگری به نام گروه‌های تروریستی گردید که نظم منطقه را بطور جدی دستخوش تغییر کرد. رخداد بهار عربی و سقوط پیاپی دولت‌ها یا درگیر شدن آنها در ناآرامی‌های سیاسی و امنیتی عمیق در جهان عرب، نیز سازوکارهای این منطقه را با بحران‌های بیشتری روبرو کرد. بحران عراق، بحران سوریه، بحران حاکمیت در بحرین و جنگ خونین و دیرپا در یمن، تشدید تنش بین ایران و آمریکا بعد از خروج دولت ترامپ از توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۸ و همچنین ناامنی در مسیر خطوط کشتیرانی و دریانوردی در این منطقه و حملات گاه و بیگاه و دامنه دار به کشتی‌ها، محموله‌ها و تاسیسات نفتی، این منطقه را بطور کلی از نظم خارج کرده است. اگر بخواهیم نتیجه این تحولات را در یک عبارت خلاصه کنیم که مانعی واقعی بر سر راه همکاری کشورهای منطقه ایجاد کرده است، "پدیده‌ای بنام بحران اعتماد و فراگیری آن" را می‌توان ذکر کرد. بروز بحران‌های متعدد و چندین جنگ در منطقه پایه‌های اعتماد و همکاری را از بین برده یا اینکه بشدت تضعیف کرده است. حضور نیروهای بیگانه و تحریک‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای بعنوان عنصری مهم و تاثیرگذار در تشدید فضای بدگمانی و تخریب اعتماد عمل کرده است.

در سال‌های اخیر عامل دیگری اضافه شده است که آن نیز می‌تواند فضای بی‌اعتمادی را تشدید کند. برقراری رابطه سیاسی و اقتصادی و افزایش همکاری‌های امنیتی بین برخی از کشورهای منطقه با اسرائیل بعد جدیدی به موضوع داده است و نگرانی‌های تازه‌ای را به وجود آورده است. اسرائیل همواره اهداف بدخواهانه‌ای را در منطقه دنبال کرده است و حضور آن در منطقه حساس خلیج فارس می‌تواند پیامدهای ناخواسته‌ای بدنبال داشته باشد.

بازگشت به نظم و تقویت حسن همسایگی

منطقه خلیج فارس برای پشت سر گذاشتن مشکلات و ایجاد فضای مناسب تری برای همکاری نیازمند تغییرات و برقرار کردن سازوکارهای موثر و مورد توافق است. از اینرو ضروری است تا کشورهای منطقه در راستای احترام به اصول حسن همسایگی و نیز به منظور ایجاد یک منطقه با ثبات و به دور از تنش، یک نظم مورد اجماع و مناسب برقرار کنند و از سیاست همسایگی متوازن و موثری پیروی کنند. تنظیم سیاست‌ها بر اساس اصول پذیرفته شده و دوری از اقداماتی که می‌تواند موجب بدگمانی، تحریک و یا واکنش‌های شدید دیگران شود، به همراه مدارا و خویشتن‌داری و همکاری بر اساس اصول حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد، بهتر از هر اقدام دیگری منافع کشورهای منطقه را تامین خواهد کرد.

برای دستیابی به ثبات و همکاری در خلیج فارس فراهم کردن فضای گفتگو و تقویت دیپلماسی امری ضروری است. قبل از هر چیز می‌بایست به بحران‌هایی که زمینه شعله کشیدن و گسترده تر شدن دارند، پایان داد. جنگ مزمن، ویرانگر و مرگبار در یمن، در حالیکه هیچ دستاوردی جز نابودی بیشتر این کشور فقیر منطقه نداشته است، همچنان ادامه دارد. اولویت اصلی بایستی بر پایان دادن هرچه سریعتر به این جنگ و فراهم کردن زمینه برای یک راه حل عادلانه و بر اساس اراده آزاد و منافع مردم یمن متمرکز گردد. سالهای متمادی درگیری در یمن اثبات کرده است که عملیات نظامی نتوانسته است به بحران این کشور پایان دهد. بلکه بر عکس آن را عمیق تر نیز کرده است. عربستان سعودی و کشورهای هم پیمان آن در این جنگ دستاوردی نداشته اند. ایران برنامه خود را برای پایان دادن به بحران در شورای امنیت ثبت کرد. این طرح متضمن آتش بس فوری، کمک های بشردوستانه بین المللی، تشدید گفتگو بین یمنی ها و ایجاد یک دولت ملی گسترده است.^۱

موضوع مسابقه تسلیحاتی باعث نگرانی و بی ثباتی در منطقه است. بر اساس گزارش موسسه سیپری، عربستان سعودی با خرید اسلحه به میزان ۶۷.۶ میلیارد دلار پس از امریکا و چین در میان سه کشور اول دارای هزینه نظامی در جهان قرار دارد و با اختلاف زیاد، بزرگترین دارنده هزینه نظامی در خاورمیانه است. امارات متحده عربی نیز یکی از ۱۵ کشور اول دارای بیشترین هزینه نظامی در جهان است. اگرچه این کشور از ارائه داده های مربوط به هزینه نظامی خود از سال ۲۰۱۴ به بعد اجتناب می کند، اما برای چندین سال متوالی، در میان سه کشور اول دارنده بالاترین مخارج نظامی بوده است. آخرین داده های ارائه شده از سوی امارات متحده عربی، نشان می دهد که هزینه نظامی این کشور کوچک در جنوب خلیج فارس، معادل ۲۲.۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ بوده است. این کشور تاکنون به واردات سلاح های پیشرفته با همان شدت یا حتی بیشتر، از منابع مختلف ادامه داده است.^۲ با این حال، هزینه های نظامی ایران در سال ۲۰۱۸ با ۱۵.۸ میلیارد دلار در پائین ترین سطح ممکن قرار داشته است. این در حالی است که اندازه و نیازهای دفاعی ایران بسیار بزرگتر از کشورهای فوق الذکر در منطقه خلیج فارس است. برخی از کشورهای منطقه و خارج از منطقه نسبت به توانایی موشکی ایران ابراز نگرانی می کنند. اما به انباشت سلاح های مدرن در کشورهای همسایه ایران توجهی ندارند. این رهیافت نامتوازن نمی تواند کارایی لازم را داشته باشد. نگاه به امنیت منطقه می بایست از توازن و واقع نگری برخوردار باشد. نمی توان نسبت به برنامه

۱. نامه وزیر امور خارجه ایران به دبیرکل سازمان ملل متحد، ۱۷ آوریل ۲۰۱۵ در مورد طرح چهارماده ای برای برقراری صلح در یمن
2. SIPRI.ORG, Trends in World Military Expenditure, 21 April, 2021

موشکی ایران ابراز نگرانی کرد، اما نسبت به انباشت تسلیحات در جنوب خلیج فارس بی توجه بود. این نوع نگاه به تعبیر سناتور رند پاول مانند این است که از پلنگ ایرانی دعوت شود که با اراده خودش بپذیرد که به میشی برای خورده شدن تبدیل شود.^۱ در یک ساختار تعیین شده برای اعتمادسازی می توان در مورد رهیافت های امنیتی منطقه به نحوی که منافع همگان را تامین کند گفتگو کرد و به توافقی متوازن و معنی دار دست پیدا کرد. در چنین رهیافتی بایستی نگرانی همه کشورهای منطقه در نظر گرفته شود و از خطر انباشت و توسعه تسلیحات جلوگیری کرد.

مسائل خلیج فارس از سایر مسائل خاورمیانه جدا نیست. فعالیت های هسته ای مخفی و خارج از پادمان اسرائیل و در اختیار داشتن سلاح های هسته ای تهدیدی اساسی برای کل منطقه است.

دخالت قدرت های فرامنطقه ای نیز منبع بی ثباتی در منطقه خلیج فارس است. حضور نظامی امریکا تهدیدهای همیشگی برای امنیت و رفاه منطقه است. نادرست بودن تجویزهایی مانند وارد کردن امنیت از طریق قدرت های خارج از منطقه و یا به دست آوردن امنیت به هزینه کشورهای دیگر به اثبات رسیده است. امنیت باید از داخل منطقه و از طریق مسئولیت جمعی بوجود آید. کشورهای منطقه می توانند برای افزایش اعتماد تلاش کنند و برای حفظ صلح و ثبات، همکاری و گفتگو را تقویت کنند. برای افزایش گفتگوها، حل اختلافات، کاهش سوءتفاهم ها و ایجاد شفافیت در همه فعالیت ها و اتحاد های نظامی به سازوکار جمعی نیاز است.

ایران طرح خود را در مقاطع مختلف برای ایجاد ترتیبات امنیتی قابل اعتماد برای منطقه ارائه کرده است. با پایان تجاوزات صدام حسین علیه ایران در اواخر دهه ۱۹۸۰، ایران طرحی را برای امنیت خلیج فارس در راستای اجرای قطعنامه ۵۹۸ ارائه کرد. این قطعنامه از دبیرکل سازمان ملل متحد درخواست کرده است تا "اقدامات لازم برای افزایش امنیت و ثبات منطقه" از طریق رایزنی با ایران، عراق و کشورهای همسایه به عمل آورد.^۲ در طول دهه های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ ایران به ارائه طرح های مختلف ادامه داد. هر چند که فقدان اراده سیاسی در برخی از کشورهای منطقه مانع از تحقق این ایده ها گردیده است. ابتکار صلح هرمز که از سوی ایران در هفتاد و چهارمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ارائه شد، قدم دیگری در راستای بازگرداندن صلح و امنیت به این منطقه استراتژیک محسوب می گردد.^۳

^۱ A Leopard to become a Lamb

^۲ Security Council Resolution 598 (1987)

^۳ طرح ابتکاری ایران موسوم به طرح صلح هرمز در جریان مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سپتامبر سال ۲۰۱۹ ارائه گردید.

هدف برنامه اقدام ایران، یافتن رویکردی مشترک در مورد امنیت انرژی، آزادی کشتیرانی، کنترل تسلیحات، تبادل اطلاعات، پیشگیری از درگیری ها و عدم تعرض است. همچنین شامل ایجاد کارگروهی برای بررسی اقدامات عملی به منظور افزایش تدریجی اعتمادسازی و گسترش همکاری در حوزه های نظامی-امنیتی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و بشردوستانه است. پاسخ برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس به این طرح مثبت نبود. این امر تا حدی به این دلیل بود که آنها به سیاست فشار حداکثری دولت ترامپ علیه ایران و تاثیرات آن دل بسته بودند. اکنون ثابت شده که آن سیاست کاملاً شکست خورده است و نیازمند یک بازنگری اساسی است.

چنانچه کشورهای منطقه خلیج فارس تصمیم بگیرند که مسیر توسعه پایدار را دنبال کنند و نگرانی های امنیتی خود را کاهش دهند، نیازمند برسمیت شناختن منافع مشروع یکدیگر و رعایت آن هستند. ایجاد سازوکاری برای تقویت گفتگو و اعتماد سازی ضروری است. این سازوکار می توان زمینه را برای ایجاد فهم مشترکی از مسائل منطقه به وجود آورد و از این طریق نسبت به کاهش نگرانی های امنیتی و سیاسی، تضمین زندگی مسالمت آمیز و عدم تجاوز، کاهش رقابت های تسلیحاتی، احترام به حقوق حسن همسایگی و ایجاد همکاری های درازمدت اقدام کند. استفاده از برخی تجربه های کارآمد موجود در مناطق دیگر جغرافیایی می تواند به شکل گیری این سازوکار کمک کند. منطقه خلیج فارس و کشورهای این منطقه از این ظرفیت برخوردار هستند که با همکاری بین خود تجربه های موفق را مبتنی بر واقعیات این منطقه رقم بزنند.

نتیجه گیری

سیاست حسن همسایگی نیازمند آن است که از یک پشتوانه نظری برخوردار باشد و از اصول محکمی پیروی کند. نداشتن چنین پشتوانه ای موجب خواهد شد تا این سیاست نیز همانند بسیاری از طرح ها و ابتکارات دیگر پس از مدتی در ورطه بی سرانجامی به فراموشی سپرده شود. مناسب ترین و محکم ترین پشتوانه نظری برای این بحث که امکان فراهم کردن یک درک مشترک در بین همسایگان را نیز دارد، توجه به اصول و معیارهای شناخته شده در حقوق و روابط بین الملل و از جمله اصول مندرج در منشور ملل متحد است. از شرایط مهم برای موفقیت سیاست حسن همسایگی این است که با سیاست های کلی در صحنه بین المللی هم راستا باشد. سیاست حسن همسایگی در خلا شکل نمی گیرد. این سیاست بخشی از منظومه بزرگتر سیاست خارجی کشور است و در آن فضای کلی امکان اجرا پیدا می کند.

اتخاذ سیاست حسن همسایگی به معنای آن نیست که یک کشور در روابط خود با همسایگان از منافع و خواسته های خود صرف نظر کند و یا امتیازی غیر متعارف به دیگران ارائه

کند، تا اثبات کند که همسایه ای خوب است؛ بلکه سیاست حسن همسایگی می تواند تضمین کننده منافع و اهداف مشروع هر یک از همسایگان باشد. ایجاد یک درک درست از منافع و خواسته های یکدیگر می تواند در ایجاد فضای مثبت و حسن همسایگی موثر واقع شود. منطقه خلیج فارس از بحران های متعددی رنج می برد. اعتماد در این منطقه به شدت آسیب دیده است و به عبارت دیگر منطقه با پدیده بحران اعتماد دست و پنجه نرم می کند. کشورهای منطقه نیاز دارند تا برای برقراری ثبات و برخورداری از رفاه و آسایش بیشتر و قرار گرفتن در مسیر توسعه، قبل از هر چیز اعتماد را به این منطقه بازگردانند. ایران به اصول حسن همسایگی در این منطقه متعهد است و طرح های گوناگونی را نیز در این رابطه ارائه کرده است. در عین حال، هماهنگی بین دستگاههای عمل کننده و پرهیز از اقدامات تحریک آمیز برای پیشبرد یک سیاست منسجم حسن همسایگی، امری ضروری است.

